

## برنامه تا آسمان

### اسماء و صفات الهی ۲۴

#### رزاقیت خداوند ۵

آیت الله علی رضایی تهرانی

۱۴۰۲/۰۱/۱۳ مقارن با ۱۴۴۴/۰۹/۱۱ هجری قمری

(مجری)

روز طبیعت است و برنامه تا آسمان را تقدیم حضورتان می‌کنیم، حجت الاسلام و المسلمین جناب حاج آقای رضایی تهرانی هم در برنامه ما حضور دارند و زحمت کشیدند، علی‌رغم اینکه یک مقدار بیمار هستند و سینه‌شان هم خسته است اما قبول زحمت کردند و مثل همیشه یکشنبه‌ها در خدمتشان هستیم و امروز هم آمدند. سلام عرض می‌کنم خدمت شما، عرض خوش آمد و تشکر از حضور شما.

(استاد)

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

من هم عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت حضرتعالی و همه بینندگان این برنامه، امید به آن دارم که در این ماه مبارک که مقارن با فصل بهار است و بهار قرآن هم هست، زندگی قرآنی و دینی ما روزبه‌روز پیشرفت داشته باشد.

(مجری)

ان‌شاءالله، خیلی متشکرم، خوش آمدید. روز طبیعت است، خب الآن قرار است در مورد صفت رزاقیت خداوند صحبت کنیم، روزهای یکشنبه ما صفات الهی است اما در روز طبیعت، حاج‌آقا یک بحثی را اول در مورد نگاه دین به طبیعت و شادی در طبیعت برایمان عنوان می‌کنند که بیشتر آشنا شویم که نگاه دین به شادی، آن هم در طبیعت چه است و ان‌شاءالله بعد صفت رزاقیت را ادامه خواهیم داد. حاج‌آقا بفرمایید برایمان که در نگاه دین مبین اسلام، ما در تمام دستورات دینی‌مان، در کوچک‌ترین بخش‌های عملی آن، یک اشاراتی در دین داریم. در نگاه به طبیعت و نگاه به شادی در طبیعت چه آمده است؟

(استاد)

بله، این را باید بدانیم که خدای متعال جهان آفریده که انسان بیافریند و عالم آفریده که آدم بیافریند و فرمود اگر نبود که من می‌خواستم خلیفه‌الله بیافرینم، آدم بیافرینم، انسان بیافرینم، اصلاً دست به آفرینش نمی‌زد. خب این آدم فرشته نیست که ماده نداشته باشد، یک موجودی است که علاوه بر متافیزیک، دارای فیزیک و ماده است؛ تا ماده شد، مسکن احتیاج دارد، باید در جایی سکونت کند، در جایی زندگی کند. از میان میلیاردها میلیارد کرات آسمانی، خدای متعال زمین را برای سکونت آدمی انتخاب کرد و آن‌قدر به اعتبار آدمی که این زمین مسکن آدمی است، برای زمین اعتبار قائل شد که در قرآن کریم دائماً زمین را به تنهایی در مقابل همه آسمان‌ها قرار می‌دهد.

«الْأَسْمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»، یعنی وزن زمین به اعتبار اینکه مسکن آدمی است کَأَنَّ با همه آسمان برابری می‌کند. این را هم می‌دانیم که زمین مسکن آدمی است، نه محل خلافت او، به این معنا که خدای متعال آدمی را خلیفه و جانشین خود قرار داده باشد، فقط در محور زمین، نخیر، به تعبیر استاد ما حضرت آیت الله جوادی آملی (حفظه الله)، زمین آدرس پستی محل زندگی آدمی است، نه اینکه زمین محدوده خلافت او باشد. انسان کامل همانگونه که بر زمین حکمفرما است، بر آسمان‌ها بلکه بر ماسوی خدا حکمفرمایی می‌کند. الآن امام زمان (علیه السلام) حجت خدا در روی کره زمین است ولی نه حجت خدا فقط برای زمینیان، «بِكُرْسِيِّكَ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ»، آسمان‌ها، ملائکه، فرشتگان، جنیان، همه و همه زیرمجموعه سیطره امامت او هستند. خب این زمین به اعتبار اینکه

مسکن آدمی شده است، مورد احترام قرار گرفته، به گونه‌ای که خدای متعال به او خطاب کرد که تو آیا عبد مطیع من هستی یا نه؟  
آیه صریح قرآن است که وقتی آسمان‌ها و زمین آفریده شد، خدای متعال به آسمان‌ها و زمین گفت که بیایید، «أَتَّبِعَا طَوْعًا وَكَرْهًا»، یا از سر طوع و رغبت یا از سر کراهت و ناپسندی.

«قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ»<sup>۲</sup>، گفتند نه، ما نوکرت هستیم، ما آمدیم آنگونه که تو مقدر کردی عمل و وظیفه خود را انجام بدهیم. این زمین از دیدگاه دین، با این ویژگی‌ها که عرض کردم، نکاتی در موردش مطرح است:

۱. خاستگاه آدمی است، یعنی بدن ما که از خاک آفریده شده است، از خاک کره مریخ آفریده نشده است، از خاک همین زمین آفریده شده است، جایش هم مشخص است که خدای متعال از کدام خاک گرفت، با کدام آب مخلوط کرد و این مجسمه آدمی را ساخت، «صَلَّصَالٍ كَالْفَخَّارِ»<sup>۳</sup>، خشک شد و بعد خدا در او روح دمید و لذا خدا فرمود: «مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ»<sup>۴</sup>، ما زمینی هستیم، ما با زمین ارتباط آفرینشی داریم.

۲. دوم، نه تنها خاستگاه ما زمین است، بازگشتگاه ما هم زمین است، «وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ»<sup>۴</sup>، ما به دل طبیعت برمی‌گردیم، ما از دل طبیعت جوشیدیم، به دل طبیعت هم برمی‌گردیم. خدا فیلسوف نامدار اسلام، مرحوم صدرالمتألهین را رحمت کند، اثبات می‌کند که انسان براساس حرکت جوهری، از دل خاک آمده و تا به افلاک پر می‌کشد، «الْإِنْسَانُ النَّفْسُ جِسْمَانِيَّةٌ الْحُدُوثُ رَوْحَانِيَّةٌ الْبَقَاءُ»<sup>۵</sup>، حدوث ما جسمانی است. پس خاستگاه اولین آدم و ما زمین است، بازگشتگاه ما زمین است و این زمین مایه عبرت است.  
۳. گفت:

برگ درختان سبز در نظر هوشیار هر ورقش دفتری است، معرفت کردگار

هر سال خدای متعال این درختان را می‌میراند، بی برگ و بر، دو مرتبه در بهار شکوفه می‌کند، جوانه می‌زند، تمام این دشت را کأنَّ خدا یک موکت سبز پهن می‌کند، زمین و جب‌به‌وجبش مایه عبرت است.

۴. چهارم، مایه نشاط است، آدم در طبیعت که می‌رود باید نشاط و شادی ببیند، چرا؟ چون دارد با آیت الهی عشق‌بازی می‌کند، گفت:

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست

انسان باید با طبیعت حس بگیرد، چرا؟

چون آیت الله است، نشانه خدا است، از طرف خدای متعال دارد کارش را انجام می‌دهد.

۵. پنجم، همین زمین حی است، زنده است. همین الآن گناه که رویش انجام می‌شود، به خدا شکایت می‌برد، ثواب که بر رویش انجام می‌شود، برای کسی که کار صواب و ثواب انجام داده است، دعا می‌کند. در روایت داریم که اغلف وقتی در زمین بول می‌کند، تا چهل روز، زمین به خدا شکایت می‌کند. اغلف یعنی کسی که ترک سنت کرده و در کودکی ختنه نشده و این سنت در مورد او ترک شده است. زمین می‌نالد که او بدون سنت دارد با من تعامل می‌کند.

زمین زنده است و به جد زنده است، همه موجودات زنده هستند، «إِنَّ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ»<sup>۵</sup>.

۶. دیگر اینکه همین زمین مخزن روزی ما است، فرمود: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا»<sup>۶</sup>، خدا زمین را

در اختیار شما قرار داده است، «فَأَمْسُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهَا»<sup>۶</sup>، بروید روی کره زمین سوار بشوید، راه بروید. امسال ما دومرتبه در سفرهای نوروزی رکورد زدیم. شما مستحضرید این کره خاکی دارد دور خودش می‌چرخد، این حرکت، آقای قاسمی‌نیا، آن قدر شدید است که اگر جو اطراف کره خاکی نبود، یک لحظه هیچ چیز روی کره زمین بند نمی‌شد و حال اینکه شما یک لیوان آب این‌جا می‌گذاری، ده سال هم باشد، تکان نمی‌خورد، با این سرعت که هنوز بشر نتوانسته یک ماشین اختراع کند که با این سرعت به دور

خود بچرخد و ما نشستیم با این آرامش داریم زندگی مان را می‌کنیم. زمین مخزن روزی ما است، مطیع امر الهی است، زنده و شاهد است، حالا وظیفه ما چیست؟  
وظیفه ما این است که این زمین رابه عنوان یک امانت الهی ببینیم، مواظب باشیم و از او نگاهیم و بر او بیفزاییم. امیرالمومنین (علیه السلام) کنار رود فرات ایستاده بود، یک کسی آب برداشت بخورد، یک مشت، دو مشت، سه مشت، مشت چهارم، یک مقدار خورد، باقی را روی خاک ریخت. حضرت فرمودند که اشتباه کردی، آب را روی آب بریز که پایین دست کس دیگری مصرف کند، چرا آب را روی خاک می‌ریزی؟  
ما موظفیم محیط زیست را رعایت کنیم. امشب مردم اگر به بوستان‌ها می‌روند، نباید بوستان‌ها را کثیف کنند، نباید این پلاستیکی که سالیان سال طول می‌کشد که شاید جزو طبیعت بشود، روی خاک رها بشود. اگر درست با زمین تعامل نکنیم، در روایات داریم که انسان مورد لعنت قرار می‌گیرد، بالاترین نعمت الهی است، محل سکونت ما است، شما اگر خانه‌ای پر از آشغال و کثافت داشته باشید، اول متضرر خود شما خواهید بود.

پس طبیعت را به عنوان آیت الهی دیدن، در طبیعت به اعتبار اینکه آیت پروردگار است، شاد زیستن، با طبیعت حس گرفتن، از اموری است که در دین ما تأکید شده و لذا یک درخت کاشتن بر روی کره خاکی صدها ثواب دارد و یک درخت قطع کردن عقاب دارد. در روایت دارد که اگر شما بی‌جهت درختی را قطع کنی؛ در قطع شدن نسل و ذریه شما اثر دارد، این زمین فقط مال شما نیست، سالیان سال باید میزبان عبادالرحمان باشد و ما باید در تعامل با طبیعت آنگونه که دین به ما دستور داده است عمل کنیم.

(مجری)

درست است، خیلی متشکرم، نکات جالبی بود که امروز حاج آقا در مورد تعاملی که با طبیعت و با زمین باید داشته باشیم برایمان فرمودند، خیلی ممنونم. یک بخشی را ببینیم و برمی‌گردیم و ادامه سوالاتمان را در مورد صفت رزاقیت حضرت حق صحبت خواهیم کرد.

(تیزر)

«اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيْنَا فِيهِ الْإِحْسَانَ  
وَكْرَهُةً إِلَى فِيهِ الْفُسُوقَ وَالْعَصِيَانَ  
وَحَرِّمْنَا عَلَى فِيهِ السَّخَطَ وَالنَّيْرَانَ  
بِعَوْنِكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ».

خدایا در این ماه، نیکی را پسندیده من گردان و نادرستی‌ها و نافرمانی‌ها را مورد کراهت من قرار بده و خشم و آتش برافروخته را بر من حرام گردان، به یاری‌ات ای فریادرس دادخواهان.  
دعای روز یازدهم ماه مبارک رمضان  
(پایان تیزر)

(مجری)

عرض کردم خدمتتان که چند جلسه است در روزهای یکشنبه حاج آقا در مورد صفت رزاقیت حضرت حق صحبت می‌کنند و اگر هفته گذشته هم با ما در روز یکشنبه همراه بودید، در مورد مصادیق جزئی اموری که در تجلی صفت رزاقیت خدا نقش ایفا می‌کند، در مورد کاهش و افزایش حاج آقا به طور جزئی مواردی را فرمودند و قرار شد که ادامه بحث را امروز هم داشته باشیم. اما قبل از آن، یک سوالی را خدمت حاج آقا مطرح کنم که آیا آدمی هم می‌تواند مظهر اسم رزاق خداوند بشود؟، با چه عملکردی؟

(استاد)

بله، جز صفت تکبر که به ما گفتند به این صفت نزدیک نشوید یا صفت احدیت که ما در آن ساحت هیچ راهی نداریم، در بسیاری از صفات الهی، از ما خواستند به رنگ خدایی رنگ بشویم، «صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً».

یکی از این صفات، صفت رزاقیت است و لذا در روایت داریم: «الْيَدُ الْعُلْيَا خَيْرٌ مِنَ الْيَدِ السُّفْلَى»، آن دستی که می‌دهد، نسبت به آن دستی که می‌گیرد برتر است و لذا در روایت داریم: «نِعْمَ الْمَالُ الصَّالِحُ لِلرَّجُلِ الصَّالِحِ».

چقدر خوب است که ثروت و مکنت که با او انسان بذل و بخشش می‌کند، دست یک انسان صالح باشد که بتواند دستگیری کند. یقیناً انسان باید تلاش کند که در صفت رزاقیت بدرخشد و عملکرد هم به این است که اولاً انسان در تولید پرهمت باشد. ما به سیره اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) که نگاه می‌کنیم، می‌بینیم سیره آن‌ها این است، تولید هرچه بیشتر، مصرف هرچه کمتر. یعنی امیرالمومنین (علیه السلام) ده‌ها چاه احداث می‌کند، با کد یمین و عرق جبین، هزار بنده را با پول شخصی خودش می‌خرد و آزاد می‌کند. بستان ایجاد می‌کند و بعد در راه خدا وقف می‌کند و بعد برای تولیت آن حق‌التولیه‌ای قرار می‌دهد که آن حق‌التولیه آن قدر زیاد است که بر سر اوقاف امیرالمومنین (علیه السلام) که چه کسی متولی باشد، گاه دعوا می‌شود؛ تولید هرچه بیشتر، مصرف هرچه کمتر.

پس انسان اولاً در تولید باید پرهمت باشد.  
دوم، آنچه که به او رسید را ملک خود نبیند. تعبیر امام صادق (علیه السلام) در روایت عنوان بصری این بود: «يَرَوْنَ الْمَالَ مَالِ اللَّهِ يَضَعُونَهُ حَيْثُ أَمَرَهُمُ اللَّهُ»، انسان‌های فرهیخته و باتقوا، انسان‌های پیشرفته کسانی هستند که مال را، مال خدا می‌بینند، هر جا خدا گفته مصرف می‌کنند، «يَضَعُونَهُ حَيْثُ أَمَرَهُمُ اللَّهُ». یک موقعی من به یکی از خانم‌های فامیل که با ما نسبت نزدیکی دارد، عرض کردم که فلانی! تو بخیلی یا جوادی؟! جواب خوبی داد، گفت: «از جیب و کیف خودم یا از جیب شوهرم؟».

(مجری)  
صادقانه گفت.

(استاد)

گفتم که مگر فرق دارد؟

گفت که از جیب خودم قران قران خرج می‌کنم، از جیب شوهرم تراول تراول خرج می‌کنم. صحبت سر این است، من اگر از جیب خدا خرج کنم، تراول تراول خرج می‌کنم، اگر مال خودم دیدم، بخل می‌ورزم. پس عملکرد این است، من باید عالم را ملک الهی ببینم و من یک امانت‌داری بیش نیستم و من باید مثل خدای متعال رزاقیت کنم. در روایت داریم، به مرد خانه می‌گوید که زن و بچه تو را نان آور می‌بینند. در فقه هم ما می‌گوییم، می‌گوییم واجب‌النفقه، آقای قاسمی نیا برای عیالشان، برای بچه‌هایشان، آن‌ها واجب‌النفقه هستند. می‌گوید شما که شب یا عصر منزل می‌آید، چون این‌ها شما را روزی‌دهنده می‌بینند، دست‌خالی نیا، وقتی هم که آمدی، اگر دختر و پسرت هر دو آمدند، به دست دختر بده چون او لطیف‌تر است. حالا گاهی هم به دست پسر بده که نعوذ بالله احساس عقده‌ای در دلش شکل نگیرد. ببینید، پس من باید خود را روزی‌دهنده ببینم، روزی هم اختصاص به پوشیدن و خوراک و آشامیدن ندارد. من استاد دانشگاهم، نگویم اگر این دانشجو را درست تربیت کنم، تعداد فوق‌تخصص‌ها بالا می‌رود، نان من کم می‌شود. از علمم به او بیاموزم، از ادبم به او بیاموزم. بعضی از کشورها که تحریم شدند، دست به دامن ما شدند، گفتند که شما فوق‌تخصص در دور زدن تحریم‌ها هستید، برای ما کلاس بگذارید، روس‌ها گفتند و ما این کار را کردیم؛ برای لبنانی‌ها گفتیم، یعنی آمدیم علم خود را در اختیار آن‌ها گذاشتیم.

پس رزاقیت صفت پروردگار است، «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ»<sup>(۱)</sup>، ولی اگر کسی بتواند مظهر این اسم الهی باشد، چه اینکه اهل بیت (علیهم السلام) چنین بودند. امام صادق (علیه السلام) نشسته بودند، ابوحنیفه هم خدمت

حضرت بود، غذایی خوردند، سفره جمع شد، حضرت فرمودند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ، وَالشُّكْرُ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ»، حمد ویژه خدا است، شکر ویژه خدا است و من بر خدا و پیغمبر (صلی الله علیه و آله) شکر و حمد می‌کنم. ابوحنیفه اعتراض کرد، گفت که خدا به ما نعمت داده، شکر او واجب است، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) را برای چه شکر کنیم؟

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «قرآن نخواندی؟».

قرآن می‌گوید: «وَمَا نَقْمُوا إِلَّا أَنْ أَعْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ»<sup>(۲)</sup>، خدا و پیغمبر (صلی الله علیه و آله) آن‌ها را بی‌نیاز کردند، پس پیغمبر (صلی الله علیه و آله) نقش داشته، دارم او را شکر می‌کنم. ابوحنیفه می‌گوید که والله کأن من این آیه را برای اولین بار شنیدم. ما راجع به امام رضا (علیه السلام) چه می‌گوییم، شهدی‌ها چه می‌گویند؟

ولی نعمت، از دست حضرت روزی می‌خوریم. کربلا که راهش باز شد، اهل دل گفتند که وساطت و شفاعت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) بود. پس انسان باید به صفت رزاقیت الهی متصف بشود، هر چه بیشتر، بهتر. خدا بی‌منت می‌دهد، ما هم بی‌منت بدهیم. خدای متعال اینگونه نیست که خیلی فرق بگذارد، در روایت می‌گویند که اعطا و جود، تعبیر این است، «کَالْوَالِدِ»، مثل آن بارانی است که یکباره می‌بارد، دیگر نمی‌گوید این جا شوره‌زار است، این جا سبزی کاری است، این جا ماشین است، این جا خانه است، می‌بارد و همه را سیراب می‌کند، انسان باید این چنین باشد. من این را مکرر در این جلسه و در این برنامه گفتم، بی‌جهت کسی بزرگ‌خاندان نمی‌شود. این ایام، ایام دید و بازدید است، ممکن است طرف ۳۰ سالش است ولی بزرگ‌خاندان است، ممکن است ۸۰ سالش باشد، ولی کوچک‌خاندان هم نیست. باید انسان به صفت رزاقیت متصف بشود و در این صفت پیش برود که فرمود: «کَمَا تَدِينُ تُدَانُ ۱۳»، هر طور با عباد خدا تعامل کنی، خدا هم با تو همانطور تعامل می‌کند.

(مجری)

جلسه گذشته که درباره مصادیق جزئی امور صحبت می‌کردیم، حدوداً ۱۰ مورد را من یادداشت کردم که حالا ان‌شاءالله امروز ادامه خواهیم داد. چند موردش این بود: حفظ گوش و زبان، چشمپوشی از غیرحلال، رسیدگی به ایتم، اگر خطایی از دستتان در رفت بلافاصله توبه کنید و دعا در زمان‌های نماز و هنگام استجابت که این هم یکی از موارد بود. اجازه بدهید یک بخشی را ببینیم، برگردیم، حاج‌آقا مفصل در این باره برایمان صحبت می‌کند.

(تیزر)

«إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّن تَبُورَ ﴿۱۰۱﴾  
لِيُؤْتِيَهُمُ أَجْرَهُمْ وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ ﴿۱۰۲﴾»

کسانی که کتاب الهی را تلاوت می‌کنند و نماز به پای می‌دارند و از آنچه روزیشان کردیم، دیگران را نیز چه پنهان و چه آشکار بهره‌مند می‌کنند؛ امیدوار به تجارتی هستند که هرگز زیان نمی‌کند. خدا پاداششان را بی‌کم‌وکاست می‌دهد بلکه از فضل و کرم خود بر آن می‌افزاید، زیرا او آمرزنده و قدرشناس است.

سوره مبارکه فاطر

(پایان تیزر)

(مجری)

بحث رزق و روزی که می‌شود، همه ما دنبال این هستیم یک راهکاری پیدا کنیم، رزق و روزی ما زیاد بشود، یک دعایی را بخوانیم، یک ذکری را بگوییم، یک کاری را انجام دهیم که رزق و روزی ما زیاد بشود. طی چند جلسه گذشته حاج‌آقا گفتند که حدوداً ۱۸۰ مورد هست، جمع‌آوری شده است، ۱۰۰ مورد در مورد اینکه می‌شود با این اعمال و با این کارها و با این اذکار روزی را افزایش داد و کارهایی که ۸۰ مورد را حاج‌آقا گفتند که جمع‌آوری شده است که این‌ها مانع از گشایش روزی در زندگی انسان می‌شود. عرض کردم، چند مورد را حاج‌آقا گفتند، ادامه صحبت را (داشته باشیم)، دعوت می‌کنم همراه ما باشید، نکاتی دستگیرتان خواهد شد که ان‌شاءالله مفید خواهد بود، بفرمایید.

(استاد)

بله، فرمود که اگر می‌خواهی روزی‌ات زیاد شود، سوگند دروغ نخور، ببینید سوگند معنی‌اش چه است؟ شما می‌گویید به جان بچاهم، به جان همسرم، به جان پدرم، سوگند یعنی شما می‌آید و هویت خدا را و وجه‌المصالحه قرار می‌دهید، بالله، تالله و والله معنی‌اش این است. لذا آیه قرآن است: «وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ ۱۴»، خدا را در معرض قسم‌هایتان قرار ندهید و لذا اگر کسی سوگند را با شرایطش خورد و بعد حث قسم کرد، حث یعنی قسمش را شکست، کفاره دارد، باید کفاره بدهد.

در آن داستان مشهور امام صادق و امام باقر (علیهما السلام)، امام باقر (علیه السلام) دویست درهم یا دینار به آن

زن داد، برای اینکه قاضی از حضرت خواست سوگند بخورد، با اینکه سوگند، سوگند راست بود، ولی حضرت این سوگند را نخورد و آن دو بیست درهم را پرداخت کرد. متأسفانه مخصوصاً در کسبه ما این (موضوع) زیاد است، به خدا (سوگند می خورد)، (می گوید) حاج خانم والله، تالله همین است. خب این درست نیست، روزی را تنگ می کند و اگر انسان از سوگند دروغ اجتناب کند، روزی اش زیاد می شود. پس سوگند دروغ که نباید خورد، سوگند راست هم در مواقع اضطرار و حداقلی باید انجام شود.

مورد دیگر، وضو گرفتن قبل از غذا خوردن است. بعضی از علما گفتند، مقصود از این وضو گرفتن معنای لغوی است، معنای اصطلاحی نیست. یعنی شستشو کردن دست ها، به هر حال هم شستشو کردن، هم وضو گرفتن، هر دو در زیاد شدن روزی نقش دارد.

من همین جا از بیننده محترم خواهش کنم، کاری است که ما انجام دادیم و دیدیم می شود، شما هم انجام بدهید، ضرر نمی کنید. ببینید یکی از دستورات سلوکی دوام طهارت است، می گوید از اول بلوغ تا وقتی می خواهند در قبرت بگذارند، سعی کن دائم الطهارت باشی.

خب ما دستشویی می رویم، می خواهیم دستمان را بشوییم، یک آبی هم به سر و دستمان می زنیم وضو می شود، یا اگر احتیاج به غسل داشتیم، سریع باید خودمان را به آب و غسل برسانیم، چون حالت جنابت، حالت خوبی نیست.

خود دوام طهارت از عوامل گشایش روزی است که انسان دائم الوضو باشد. یک روز اول، دو روز اول، هفته اول،

دو هفته اول سخت است، بعد چنان انسان عادت می کند که اصلاً تحمل بدون طهارت بودن را نخواهد داشت.

خب، دیگر از عوامل گسترش روزی که از بچگی به ما یاد داده بودند، خوردن غذاهای ریزشده و خردشده داخل سفره است. یک موقع یک تیکه از غذا روی فرش می ریزد، روی زمین می ریزد، خب دیگر قابل خوردن نیست، آن هم باید به پرندگان داد، ولی یک موقع غذا داخل سفره ریخته است، نان خشکی است، نان کمی است، برنجی

است، خوردن اینها احترام به نعمت الهی گذاشتن است. فرمود: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ ۱۵»، روزی را زیاد می کند.

مورد دیگر، در شبانه روز ۳۰ بار گفتن سبحان الله است که حالا ما مردممان عادت دارند که پس از نمازها تسبیحات

حضرت فاطمه الزهرا (سلام الله علیها) گفته می شود، این ۳۰ بار معمولاً گفته می شود.

در روایت داریم، مرحوم مجلسی در بحار از امیرالمومنین (علیه السلام) نقل می کند از کتاب خصال که ۳۰ بار در روز سبحان الله گفتن، هفتاد تا بلا را دفع می کند که از همه پایین تر او فقر است. لذا انسان این ذکر شریف را بر زبان داشته باشد.

مورد دیگر، کوتاه کردن به وقت و مرتب ناخن ها است. ببینید، یکی از عوامل عفونت در دنیا ناخن کثیف است.

من یادم است که بچه بودیم و مدرسه می رفتیم، شنبه به شنبه ناخن هایمان را می دیدند، برای چه؟

برای اینکه ما خودمان مریض می شدیم، بماند، دیگران را مریض می کردیم. به وقت ناخن ها را چیدن در روزی

نقش دارد و وقتش که خیلی مورد تأکید است و گفتند که خیلی در گسترش روزی نقش دارد، روز جمعه است.

دیگر از موارد، صدقه دادن است و این نکته را هم من عرض بکنم، در مورد صدقه چند نکته قابل توجه است. یک

نکته که اولاً صدقه زیاد بودنش شرط نیست، به جیب نگاه کن و صدقه بده.

دوم، صدقه تداومش شرط است، روزانه صدقه بده، ولو کم، هزار تومان، دو هزار تومان.

(مجری)

توصیه آیت الله بهجت (است).

(استاد)

بله، توصیه آیت الله بهجت (است). سوم اینکه صدقه را به مستحق واقعی دادن، صدقه ندهم که طرف کریستال

بکشد، شیشه بکشد، صدقه بدهم، برود آبجو بخورد، نه، به کسی که واقعاً نیازمند صدقه است، (صدقه بدهید).

(مجری)

الآن هم خیلی راحت از طریق گوشی تلفن همراه موسسات خیریه ای هستند که مطمئن هستند و می شود (صدقه

داد).

(استاد)

بله، موسسات خیریه مطمئن را (برای صدقه دادن انتخاب کنید)، نه موسساتی که تجارت گاه است. موسسات

خیریه مطمئن را پیدا کند و به اینها می تواند روزانه واریزی داشته باشد.

دعا کردن و از خدا خواستن، دعا کردن خیلی خیلی در روزی نقش دارد. در روایت داریم نگو که خدا می داند، خدا همه چیز را می داند، دوست دارد تو به زبان بیاوری. دیدید، بابا می داند الان جیب بچه اش خالی است، دوست دارد بچه بیاید و بگوید که بابا می شود کمکی کنی. (پدر می گوید) بله پدرجان، مشکلی ندارد، به حسابت می ریزم. خدای متعال دوست دارد (که بنده دعا کند). مورد دیگر خوشخطی است، انسان وقتی می نویسد خوش بنویسد.

(مجری)

این تأثیر دارد؟

خوش بحال آنهایی که خوشخط هستند.

(استاد)

بله، تأثیر دارد، متن روایت است و لذا گذشتگان ما در خط خوش تلاش می کردند. علامه طباطبایی و برادرشان قطعه‌هایی دارند در نگارش که انسان گمان می کند میرعماد قلم زده است. استاد آیت الله حسن زاده آملی، مرحوم الهی قمشه‌ای، فرموده بودند عده‌ای وقتی خسته می شوند قلیان می کشند، قلیان من خط است. از مرحوم سید حسن میرخانی خط مشق می گرفتند و همان را می نگاشتند و بسیار خوشخط بودند.

خوش سخنی که از او به طیب کلام تعبیر داریم. انسان با مردم خوب حرف بزند، فحش و حرف زشت در دهنش نباشد. خب بگو بفرما، چرا می گویی بتمرگ؟ مثل آدم صحبت کن، خب، خوش سخنی موثر است.

نماز را با عظمت و فروتنی اقامه کردن، انسان در موقع نماز فروتن باشد. در تاریخ آمده است، امام سجاد (علیه السلام) و امام مجتبی (علیه السلام)، راجع به هر دو داریم که آن قدر در نماز خاضع و خاشع بودند که اگر باد می آمد و عبای حضرت را می انداخت، حضرت متوجه نمی شد. بچه امام سجاد (علیه السلام) در چاه افتاد، زن و بچه شروع کردند داد و قال و ضجه و جزع و فزع، حضرت اصلاً متوجه نشدند. نماز تمام شد، دیدند سروصدا می آید، چه شده است؟

گفتند که بچه در داخل چاه افتاده است. آمدند دعایی خواند، آب بالا آمد، بچه را سالم گرفتند و تحویل دادند. وقتی تو با خدا آنگونه خلوت می کنی، بعد هم با دعای تو آب بالا می آید و بچه را سالم تحویل می گیری. قرائت سوره واقعه هر شب که بعضی‌ها مقید هستند این سوره را در نماز و تیره می خوانند. عثمان با ابن مسعود قهر کرد، به این معنا که بینشان نقاری ایجاد شد و ابن مسعود از عثمان برید، در حدی که بینشان شکاف افتاد، موقعی که مریض و در حال مریضی بود، عثمان به عیادتش آمد، پول آورده بود.

گفت: «نمی خواهم».

عثمان گفت: «چرا نمی خواهی؟».

(ابن مسعود) گفت: «زمانی که نیاز داشتم، از من دریغ کردی، الان که دارم می میرم».

(عثمان) گفت: «تو داری می میری، برای بچه‌هایت بگیر».

ابن مسعود دختر داشت.

گفت که «إِنِّي قَدْ عَلِمْتُ هُنَّ سُوْرَةَ الْوَاْقِعَةِ، وَسَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ»، دخترانم هم نیاز ندارند، چون من به آن‌ها سوره واقعه را یاد دادم. خودم از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) شنیدم، اگر کسی شب‌ها سوره واقعه بخواند، فقیر نمی شود و من به آن‌ها سوره واقعه را یاد دادم.

قرائت سوره یس، «وَبَارِكْ»، در صبحگاهان (در افزایش روزی موثر است).

داریم موارد را عرض می کنیم، پیش از اذان به مسجد شتافتن، هنوز اذان نشده، بروم در مسجد بنشینم. خدا مرحوم امام را رحمت کند در این بهار، فرمودند: «اگر طلبه‌ای به رکوع رکعت اول نماز جماعت رسید، از حوزه بیرون برود». طلبه‌ای که در نماز جماعت به رکوع رکعت اول رسید، از حوزه بیرون برود، این به درد طلبگی نمی خورد. یک مقدار انسان زودتر در مسجد برود، تمرکزی کند و بتواند همانطور که عرض کردم، همیشه با طهارت باشد، این‌ها از عوامل گشایش روزی است.

(مجری)

خیلی متشکرم، ممنون، موارد دیگری را حاج آقا فرمودند، باز یک بخشی را می بینیم و برمی گردیم، ادامه صحبت‌ها و سوالات (را خواهیم داشت).

(تیزر)

ای بی‌نیاز بی‌نیازان، اینک ما بندگان تو در پیشگاه تو هستیم و من از همه به تو محتاج‌ترم. با چنین حال نومیدی پیش چه کسی رویم و روی نیاز به کدامین درگاه ببریم. خدایا تو منزه‌ی و ما آن بیچارگانی هستیم که بر آوردن خواست ایشان را واجب کرده‌ای و آن رنج‌دیدگانی هستیم که برداشتن رنج ایشان را وعده فرمودی. خواست تو را سزاوارتر و بزرگی تو را شایسته‌تر آن است که بر خواستار رحمت خود، رحمت آوری و آن کس را که از تو یاری طلبد را فریادرس باشی. پس بر زاری و نیاز ما رحمت آور و اکنون که خویشتن را بر آستان تو افکنده‌ایم، بی‌نیازمان بفرما.

فرازی از مناجات امام سجاد (علیه السلام)

(پایان تیزر)

(مجری)

خدمت شما عزیزان هستیم، حدوداً هفت دقیقه امروز فرصت داریم خدمت حاج آقا باشیم، من یکی دو تا سوال دیگر دارم، این‌ها را پرسم، باز ان شاء الله موارد دیگر را بفرمایید.

آیا روایتی مانند «مَنْ وَجَدَ مَاءً وَتُرَابًا تُفْتَقِرُ عَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ ۱۶»، دلالت بر نقش پررنگ آدمی در روزی ندارد؟

(استاد)

ببینید، معنی روایت چه است، روایت می‌گوید که اگر کسی زمین در اختیارش باشد، آب هم در اختیارش باشد و گرسنگی بخورد، این از رحمت الهی دور است و به لعنت الهی گرفتار است. به دیگر سخن، خدا می‌گوید، روایت می‌گوید که اگر کسی را خدا امکانات در اختیارش گذاشت و با این امکانات باز هم گرسنگی کشید، این نباید بگوید که خدا به من روزی نداد. خدای متعال کشوری را در اختیار ما گذاشته گربه‌سان شکل، یک سمتش دریای خزر است، یک سمتش دریای آزاد جنوب است، در این کشور معادن فراوان، زمین‌های کشاورزی فراوان (وجود دارد).

اول انقلاب، مرحوم امام (رحمت الله علیه) فرمودند که خراسان ما کشاورزی ما را بس است، با همین تعبیر (فرمودند). این همه امکانات ترانزیتی، این همه موقعیت استراتژیک، حالا من نتوانم مدیریت کنم، من از رحمت الهی به دور هستم و به لعنت الهی نزدیکم. این مطلب در ارتباط با فرد صادق است، در ارتباط با خانواده صادق است، در ارتباط با استان صادق است، در ارتباط با کشور صادق است، در ارتباط با جهان اسلام صادق است. می‌گوید که اگر کسی با وجود امکانات الهی، گریبانگیر فقر شد، حتی دعایش مستجاب نمی‌شود. خدای متعال بنا بر این ندارد روزی را در زنبیل کند، در جیب من قرار دهد. می‌گوید تو باید بتوانی از امکانات استفاده کنی، بله، اینگونه روایات، سوال، سوال دقیق است، دقیقاً نقش دارد، در گشایش و تنگی روزی عملکرد آدمی نقش دارد و اگر بر طبق این عملکرد، عمل نکرد، خدای متعال بر او غضب می‌کند و روزی او را تنگ می‌گیرد. بعد هم می‌گوید خدایا من نمی‌دانم از کجا دارم (ضربه) می‌خورم. باید انسان از امکانات موجود استفاده کند.

(مجری)

نباید همه کارها را گردن دولت بیندازیم، درست است؟

(استاد)

یقیناً و لذا گفتیم که در ساحت فرد، در ساحت خانواده و در ساحت جامعه. الآن فرض کنید که امشب مردم به بوستان‌ها می‌روند، باورتان نمی‌شود، ما در بعضی شهرها در اعتشاشات دیوان‌نویسی داشتیم، نمی‌خواهم اسم ببرم، فقط یک بار ۳۰ میلیارد از جیب این ملت هزینه شد تا دیوارهای آلوده را تمیز کنند. خب چرا آلودگی ایجاد کنیم که از جیب ملت آلودگی بخواهد با ۳۰ میلیارد تمیز شود. چرا بوستان‌ها را ما کثیف کنیم که بعد بخواهد ما پاکبان اضافه به خدمت بگیریم که حالا بتواند (آلودگی را برطرف سازد).

ببینید، عمده این است، روایت می‌خواهد بگوید که فرد، خانواده و جامعه باید با امکانات الهی ثروت‌زایی کنند که اگر نکنند،

«فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ»، از رحمت الهی به دور هستند.



(مجری)

درست است، من دوسه تا سوال از بینندگان به دستم رسیده، این‌ها را اگر اجازه بدهید در همین بخش مطرح کنم. آیا در همه عوامل وسعت رزق، قصد عبادت لازم است یا اثر تکوینی بعضی از کارها وسعت روزی است؟

(استاد)

ببینید، اصولاً ما عوامل رزق را دو دسته می‌کنیم:

۱. عوامل عبادی

۲. عوامل غیرعبادی

عوامل عبادی احتیاج به نیت دارد، مثل اینکه می‌گویند آقا ۳۰ بار سبحان الله بگو، خوب تو اگر از باب ریا بگویی که طرف خوشش بیاید، این اثری نمی‌کند. عوامل غیرعبادی، نه (نیت نمی‌خواهد)، گفته است که آقا جلوی خانه‌ات را بروب، لازم نیست من برای این رفتن حیاط خانه یا جلوی خانه، بگویم که قربۀ الی الله جلوی خانه‌ام را می‌رویم. نفس این تمیز کردن جلوی خانه، روزی من را زیاد می‌کند.

(مجری)

چگونه تأکید بر طلب رزق کافی را با دعاهایی که (در آن) از خدا وسعت رزق را طلب می‌کنیم، جمع کنیم؟ یک مقداری نگارش سوال (مشکل داشت).

(استاد)

ببینید، نکته چه است، می‌خواهد بگوید که ما از یک طرف می‌گوییم که «خَيْرُ الرِّزْقِ مَا يَكْفِي ۱۷»، بهترین رزق، رزقی است که به اندازه باشد، از یک طرف در دعاها می‌گوییم که خدایا رزق و روزی واسع به ما بده، «وَوَسَّعَ لَنَا

فِي أَرْزَاقِنَا»، این را چطور با هم جمع کنیم؟

نکته این است، به خدا می‌گویی که خدایا برای زندگی شخص من، من را به رزق کفاف و کافی قانع کن، اما وسعت روزی به من بده، من دستگیری کنم.

پس من وسعت روزی می‌خواهم برای دستگیری، رزق کفاف می‌خواهم برای شخص خودم. بهترین رزق برای خودم رزق کفاف است ولی برای اینکه دست دیگران را بگیرم، روزی را باید از خدا زیاده بخواهم.

(مجری)

این سوال هم الآن رسید، لطفاً بفرمایید، این مواردی که گفتند، مواردی نیست که روزی، بهانه‌ای برای رسیدن به ثوابی دیگر مانند بهداشت، تقرب و غیره باشد.

(استاد) ببینید عرب یک مثلی دارد، می‌گوید که «ضَرْبُ الْعَصْفُورِ بْنِ الْحَجَرِ»، ما می‌گوییم که با یک تیر، دو نشان (بزن)، خیلی از دستورات دینی ما اینجوری است. یعنی یک دستور است، کارهای فراوانی می‌کند. شما ناخن‌هایت را می‌گیری، بهداشتت رعایت می‌شود، بهداشت که رعایت شد، کمتر مریض می‌شوی، کمتر که مریض شدی، هزینه‌ات کمتر می‌شود، هزینه که کمتر شد، خوب پولت را می‌توانی صرف خورد و خوراقت کنی. جلوی خانه‌ات را روفتی، طاعون نمی‌گیری، وبا نمی‌گیری، تمیزی می‌آوری، اینگونه نیست که این‌ها بعضاً بخواهد یک کارهای ماورایی را به ما بگوید. بله، می‌گوید که روز جمعه اگر ناخن گرفتی، این در وسعت روزی نقش فراوان دارد، این را من با عقل خودم کشف نمی‌کنم، خدا و پیغمبر (صلی اله علیه و آله) باید بگوید، من برایم روز جمعه و شب‌ها باید علی القاعده فرقی نکند، ولی می‌گوید روز جمعه، نه شام جمعه، نه شب جمعه، شب نه، روز جمعه اگر ناخن گرفتی، خدای متعال اینگونه مقدر کرده که وسعت روزی داشته باشی.

(مجری)

درست است، خیلی متشکرم.

## فهرست منابع

۱. زیارت جامعه کبیره
۲. سوره فصلت، آیه ۱۱.
۳. سوره الرحمن، آیه ۱۴.
۴. سوره طه، آیه ۵۵.
۵. سوره اسراء، آیه ۴۴.
۶. سوره ملک، آیه ۱۵.
۷. سوره بقره، آیه ۱۳۸.
۸. البیان و التبیین، ج ۲، ص ۱۹.
۹. تنبیه الخواطر: ۱/۱۵۸.
۱۰. مشکاة الأنوار: ۵۶۳/۱۹۰۱.
۱۱. سوره ذاریات، آیه ۵۸.
۱۲. سوره توبه، آیه ۷۴.
۱۳. بحار الأنوار: ۷۴/۴۱۲/۲۶.
۱۴. سوره بقره، آیه ۲۲۴.
۱۵. سوره ابراهیم، آیه ۷.
۱۶. قرب الإسناد: ۱۱۵/۴۰۴.
۱۷. بحار الأنوار: ۷۷/۱۶۸/۴.